

# راسته‌های زندگی

سرای امید

محمد مهدی بهینی

بازار همواره مرکز تجاری شهرهای ایران بوده است، اما در گذشته فقط دادوستد در آن انجام نمی‌گرفت. در بازارهای ایرانی می‌شد آخرین اخبار را از زبان این و آن شنید. اگر قرار بود جارچی‌ها قانون یا دستور جدیدی را به مردم ابلاغ کنند، باید به چهارسوق بازار می‌رفتند. بسیاری از جلسه‌های اجتماعی در حجره‌های بازار تشکیل می‌شدند. مراسم مردمی هم، از دسته‌گردانی کاروان‌های عزا تا اجرای تعزیه، در فضاهای متنوع بازار برگزار می‌شدند. بازار ستون فقرات شهر بود و شهرها در اطراف بازار شکل می‌گرفتند و رشد می‌کردند. در مسیر بازار می‌شد علاوه بر خرید، به حمام رفت، در مسجد نماز به‌جا آورد یا پای آب‌انباری لب را با آبی خنک، تر کرد. بسیاری از بازارها حتی حسینیه‌ها و تکیه‌هایی برای برگزاری مراسم عزاداری داشتند. بازارهای ایرانی در طول سال‌ها و قرن‌ها، اندک‌اندک کامل و کامل‌تر شدند تا نیاز هر آن کسی را که به راسته بازار پا می‌گذاشت برطرف کنند.



## آخرین عضو تیم

«تیم» یا «تیمچه» آخرین عضو بود که به بازار ایرانی اضافه شد. تیمچه محصول درایت معماران قاجاری است. تیمچه تجارت‌خانه‌ای بوده که به یک صنف خاص تعلق داشته و دفتر کار و فروش اعضای آن صنف در آن مستقر بوده است. بسیاری از تیمچه‌های ایران، مثل همین عمارت زیبای امین‌الدوله در کاشان، محل فروش فرش‌های رنگارنگ ایرانی هستند. روزنه‌های روی سقف تیمچه یا سقف بازار که به آن‌ها «هورنو» می‌گویند، نور و هوای تازه بازار را تأمین می‌کند.



## سایه بالای سر

بازارهای تاریخی ایران، چه در شهرهای گرمسیری و چه در شهرهای سردسیر، معمولاً سرپوشیده هستند. سقف بازار در شهرهای کویری، کسانی را که برای خرید آمده‌اند، از آفتاب سوزان و گزنده در امان نگه می‌دارد. از طرف دیگر، همین سقف‌های گنبدی شکل در بازار شهرهای سردسیر - مثل همین بازار مریوان - هنگام باد و بوران مشتری‌بان و حجره‌داران را از برف و سرما حفظ می‌کنند و هنگام بارش باران نمی‌گذارند که راسته بازار به یک رودخانه تبدیل شود.







### بازارهای خطی

بازارهای ایرانی، مثل همین بازار تبریز، شکل خطی دارند. یعنی از تعدادی دالان تشکیل شده‌اند که در دو طرفش حجره‌ها و کارگاه‌ها به ردیف در کنار هم قرار گرفته‌اند. هر کدام از این دالان‌ها را «راسته» می‌گویند. بازارها معمولاً یک راسته اصلی دارند که تعدادی راسته فرعی به آن‌ها متصل هستند. وقتی دو راسته اصلی به هم می‌رسند، فضای باز و بزرگی ایجاد می‌شود که به آن «چهارسو» یا «چهارسوق» می‌گویند.

### هر که جای خود

حجره‌ها در بازار سنتی با حساب و کتاب بین صاحبان مشاغل متفاوت تقسیم می‌شدند. مثلاً کارگاه‌ها، به خصوص کارگاه‌های پر سروصدای خراطی و آهنگری، جایشان در راسته‌های فرعی بود. یا مشاغلی مثل پوست فروشی که کارشان همراه با بوی ناخوشایندی بود، در حاشیه بازار جا داشتند. در عوض بهترین بخش بازار که قیصریه‌ها و یا تیمچه‌ها بودند، به زرگرها، فرش فروش‌ها یا سوزن دوزها می‌رسید. تیمچه‌ها و قیصریه‌ها درهای بزرگی داشتند که برای بالا بردن امنیت، در پایان ساعت کار بازار بسته می‌شدند.



### بازار نقش جهان

میدان زیبای «نقش جهان» بخشی از بازار صفوی اصفهان است. حجره‌ها و کارگاه‌های آن در دو طبقه دورتادور میدان امتداد می‌یابند و با گذشتن از این سردر که به آن «سردر قیصریه» می‌گویند، وارد راسته بازار بزرگ اصفهان می‌شوند. بین حجره‌های بازار بناهایی وجود دارند که تجاری نیستند و نفعشان به عموم مردم می‌رسد. قیصریه بخشی از راسته بازار است که به وسیله دو در بزرگ در ابتدا و انتهای آن، از ردیف دیگر حجره‌ها جدا می‌شود.

